

با امام حسین(علیه‌السلام) و در مرتبه او در بهشت خواهد بود.» در سوره فجر، به دنبال عقلانیت عاشورایی باید گشت. تجلی کامل عقل توحیدی!

حماسه روز عاشورا، خلق نمی‌شود مگر آنکه پیش از آن، شب قدر باشد. شب قدر، مقدمه معرفتی عاشوراست. شبی که قرآن بر وجود مقدس امام نازل می شود. امامی که عاشوراآفرین است، امامی که ظرف وجودش، همه معارف قرآنی را پذیرفته است. سوره قدر پرده از این حقیقت برمی‌دارد. سلام سوره قدر است که فجرآفرین است. همین سلام در سوره فتح، به رنگ بیعت است. فتح کربلا، فتح قلب انسان‌ها است، انسان‌هایی که بر بیعت خویش با امام تا نثار جان ماندند و عشق به ولایت، قلب‌شان را فتح کرد، سوره فتح از این بیعت فتح‌آفرین سخن می‌گوید.

سَرِ برکت روز عاشورا را باید در سوره ملک جست‌وجو کرد. خون علی‌اصغر، مظهر تبارک قرآن است. سوره تبارک، می‌گوید نگران برکت در زندگی خود باشیم. نگرانی از جنس نَسَمَع او نَعْقَل.

اگر بخواهیم با جنس این نگرانی بیشتر آشنا شویم، باید سوره های مزمل و مدثر را بخوانیم. آیاتی که پر از التهاییند و هر چه‌شداید بیشتر می‌شود، استحکام نیز بیشتر می‌شود. استحکامی از جنس «فَاسْتَقِمْ کَمَا أُمِرْتَ» سوره‌هود. حرکت امام حسین(علیه‌السلام) تلاشی برای شکل‌گیری امت واحد در تاریخ بشریت است که در سوره هود به خوبی بررسی شده است.

دغدغه امام حسین(علیه‌السلام)، دغدغه سعادت همه بشریت بود. افق نگرانی‌های ایشان، بسیار بلند و به وسعت همه تاریخ بود. باید افق نگرانی‌هایمان را گسترش دهیم. دغدغه‌های ما، قلم‌اند و به اعتبار قلم بودن‌شان، می‌سازند. باید همانند امام‌مان دغدغه همه بشریت را داشته باشیم و این یعنی خُلُقِ عَظِیم سوره قلم. همین ما را به علی اکبر، متصل می‌کند، شبه الناس خَلَقًا و خُلُقًا و منطقاً به رسول‌الله!

فقط نام سوره نساء کافیت که ما را به یاد نقش زنان در آفرینش حماسه‌های عاشورا ببندازد. سوره یوسف را می‌توان از منظر سیر توحید در جریان زندگی امام حسین(علیه‌السلام) خواند. سوره

حسینیۀ دل

چند نفر بودند؟

- یاسمین راوری

چه فرقی میکند چند نفر بودند؟! باور کن حتی نام طوائف و قبایل‌شان هم چندان مهم نیست!مهم جانیست که دادند و عهدیست که نگاه داشتند. مهم تک‌تک آن آیاتی است که شدند تفسیرشان. ۲۸ رجب ۶۰ هجری آغاز عاقلانه‌ی نگارش عاشقانه‌ی تفسیری عارفانه بر قرآن بود؛ تفسیری به قلم اباعبدالله(علیه‌السلام) در ۷۲ جلد. تفسیری که بر حریم درک آیاتش جز یاران را راه نیست. ادعای یاری که کردی دیگر مهم نیست خدمت‌گزار ابودر باشی یا حبیب حبیب خدا. مسیر مدینه تا شام عرصه ابتلای همگان است، صراط مستقیم است و یک طرفه... روز عاشورا هر کس از یاران که از پا درمی‌آمد نام حسین(علیه‌السلام) را فریاد می‌زد؛ "وابتغوا الیه الوسیله"(مأئده/ آیه ۳۵). این است اقتضای روح آدمی در مسیر الی الله. حسین(علیه‌السلام) برای یکی آب بود برای آن یکی آخ برای دیگری عَمّ. اما یاران همه در یک امر مشترک بودند؛ حسین(علیه‌السلام) امام‌شان بود. یعنی کعبه‌شان. روحم فدای ارباب که وقتی دید عثمانی‌مذهبی به خیال خود دورش می‌زند، دورش گردید! و زهی‌ر با یک نگاه امام تمام زندگی‌اش را رها کرد. مست امام شده بود. ساقی که حسین(علیه‌السلام) باشد، مستی زوال عقل نیست، کمال روح است. روح که به کمال رسید در جسم جایش نمی‌شود دیگر. جسم‌ها سخت دست‌وپاگیر شده

بر بلندای نیایش

ربنای عاشورایی



یکشنبه	۲۷ آذر ۱۳۹۰	سال اول
۲۲ محرم ۱۴۳۳	ویژه‌نامه	

کَهِف است و جوانان قیام کرده‌اش که ما را یاد جوانان کربلا می‌اندازد. عطر محبتی را که بین عاشوراییان بود، می‌توان در سوره مریم استشمام کرد. راستی هیچ فکر کرده‌ایم راز ماندگاری واقعه عاشورا چیست؟ سوره شعرا این راز را در قالب داستان‌های مختلف انبیاء بیان می‌کند. سوره حجرات سوره اخلاق است. این که چه می‌شود یک جامعه آن‌قدر بداخلاق می‌شود که وجود مقدس و ارزشمند رسول در میان افرازش، چنان عادی می‌گردد که خداوند می‌فرماید: حواستان باشد این رسول‌الله است که بین شماس‌ت. باید جامعه برای وجود امام خویش تمایز قائل شود، سوره‌های الرحمن و فاطر این تمایز و تفاوت را روشن می‌کنند.

یاران کربلا، از جنس مؤمنین سوره نحل هستند. از سخت‌ترین شدائد و ابتلائات، به شیرینی ایمان و یقین می‌رسند... و جهان را از این شیرینی سرشار می‌کنند. شاهد مثال، آنجا که حضرت اباعبدالله(علیه‌السلام) از قاسم می‌پرسند مرگ در نظرت چگونه است؟ می‌گوید احلی من العسل! شیرینی عسل حاصل نمی‌شود مگر با برائت از زباله ها! سوره کافرون و توبه چگونگی این برائت را شرح می‌دهند.

برائت از مغضوبین و ضالین، همین برائت است که نگاه ما را به نگاه زینب پیوند می‌دهد و جمله «ما رایت الا جمیلا» او و با خود می‌گوییم زیباست سوره حمد را با تصویر زیبایی‌های عاشورا خواندن. در این سوره، هر چه تجلی در عالم است، با اسماء و صفات الهی بروز می‌کند و این یعنی زیبایی محض و این زیبایی بروز پیدا نمی‌کند مگر این‌که دو جنبه مهم تبعیت از صراط مستقیم و برائت از مغضوبین و ضالین را در زندگی لحاظ کنیم.

بی‌نهایت است، بی‌نهایت است، بی‌نهایت است شکوه و زیبایی قرآن عاشورایی و عاشورای قرآنی!

بالهایمان را می‌گشاییم و بر فراز سوره‌های قرآن سفر می‌کنیم و اوج فنای انسانی والا را در ذات خداوند تبارک و تعالی می‌بینیم، و از زیبایی‌های آن سرشار می‌شویم. تا باد چنین بادا!

اشک‌واژه: حرف نمی‌زد/ مردِ عمل بود علی اصغر!

بودند این آخری‌ها! ابن حرّ جحقی اما، زندگی‌اش را به رخ امام کشید. امام شمشیر نمی‌خواست. شمشیرزن هم نمی‌خواست. امام آن خودی را می‌خواست که پنهانش کرده بودند تا مبدا روز مبدا کسی پیدایش کند! امام خودمان را می‌خواهد.

عاشورا یادمان داد سر و سامان، جمع نقیضین است. سامان اگر مطابق پندار محمد حنفیه‌ها بود ولله سرهای بنی‌هاشم سزاوارترین‌ها بودند برای ماندن در کنار پیکرهایشان. کربلا آدم خاکستری ندارد. آن هنگام که شجره‌ی ملعونه طرف حسابت باشد، خاکستری‌ها از سیاه‌ها هم روسیاه‌ترند. ای کاش عمر سعد آن قدر که از امیرمومنان یزید(! حساب می‌برد از رب مومنان هم می‌ترسید. در شگفتم! یک لشگر سیاهی لشگر جمع کردن کار هر کسی نیست! سیاهی لشگرهای کفر و نفاق امروز متحدند و سرداران ایمان و توحید پراکنده. آهای انسان‌ها "تَعَالَوْا الی کَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَیْنَنَا وَ بَیْنَکُمْ"(آل عمران/ آیه ۶۴)

سر مبارک امام را که شکستند خون خدا را به آسمان پاشید. با خون علی اصغر هم همین کار را کرده بود. آن لحظات آخر در قتلگاه صورت مبارکش را با خون خدا زینت می‌داد. با خون علی اصغر هم همین کار را کرده بود. خون عاشوراییان تا ابدالآبدین دم نیست، ثار است. خون خداست و رنگ خدا. و یاران در نهایت همه غسل شهادت می‌کنند در قتلگاه‌شان از نوع ارقم‌اسی‌اش. خون شهید دم نیست، ثار است، رنگ خداست. " و من احسن من الله صبغه"(بقره/ آیه۱۳۸)

اشک‌واژه: صبغه‌الله... ثارالله/ رنگ خدا.../ رنگ خون توست!

رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

پروردگارا، بعد از آنکه دل‌های ما را سرشار از محبت حسینی فرمودی،

کمک‌مان کن تا غرق در روزمرگی‌های زندگی بی حسین(علیه‌السلام) نشویم،

و ما را همچنان از جرعه‌های حسینی سیراب گردان، که همانا تو تنها سیراب‌کننده تشنگان معرفتی!

صاحب امتیاز: احمدرضا اخوت | مدیر مسئول: فاطمه قنبریان | سردبیر ویژه‌نامه: فهیمه جوادی

هیأت تحریریه: دانشجویان مدرسه قرآن و عترت(علیهم‌السلام)(کاشفیون)



یکشنبه
۲۷ آذر ۱۳۹۰
مدرسهٔ دانشجویی قرآن و عترت
۲۲ محرم ۱۴۳۳
ویژه‌نامه محرم

www.Kashef.goo.ir | KashefNews@Live.com

سال اول

برای عضویت در انجمن ادبی خوشه‌چینان وحی
نام خود را به شماره ۰۹۱۹۳۱۰۲۹۴۹ پیامک کنید
برای عضویت در گروه خبرنگاران افتخاری کاشف
نام خود را همراه با عبارت «خبرنگار» به شماره ۰۹۱۹۳۱۰۲۹۴۹ پیامک کنید



پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله)فرمود:

برای شهادت حسین(علیه‌السلام)، حرارت و گرمایی در دل‌های مؤمنان

است که هرگز سرد و خاموش نمی‌شود.

جامع احادیث الشیعه، ج۱۲، ص۵۶

هفته‌نامهٔ **فرهنگ، خبری**
مدرسهٔ دانشجویی قرآن و عترت
دانشگاه تهران



به نام سـلام

لبیک یا حسین

- فهمیه جوادی**

و خداوند در عاشقانه‌ترین لحظه‌های خلوت و عبودیت، حماسه خونین وترالموتور را در گوش بنده محبوبش، زکریا نجوا می‌کند. و زکریا عاشق‌تر و بی‌تاب‌تر و پنده‌تر می‌شود. از محبوبش می‌خواهد چون حسینی را به او بدهد، تا او هم جنس داغ حسینی را بچشد؛ تا قلبش، جنس قلب داغداران حسینی بشود. زکریا(علیه‌السلام)، یحیی(علیه‌السلام) را نذر حسین(علیه‌السلام) می‌کند و او می‌شود اول شهید محبت حسینی.

محبت حسینی، زمین و زمان نمی‌شناسد. ماه و سال

پشت پرده اشک

قتیل العـبـرات

- طهورا منزوی**

در زنده نگه داشتن یاد حضرت سیدالشهداء(علیه‌السلام) و رهرو مکتب ایشان بودن به طور شاخص و به وفور بر دو امر تأکید فراوان شده است:
۱- عزاداری و گریه بر ایشان،
۲- خون‌خواه حضرت بودن.
کلمه عزاداری معمولاً با گریه و اشک قرین است چنان‌که در مقاتل هم داریم که اگر کسی به اندازه بال مگسی چشمش در عزای حسین(علیه‌السلام) تر بشود خدا گناهش گرچه به قدر کف دریا باشد، بیامرزد.(لهورف، ترجمه میر ابوطالبی،ص۷۷)
این قبیل نقل‌ها آدمی را به فکر می‌اندازد که چه اهمیت و سـری در این گریه و اشک نهفته است که بسیار بر آن توصیه شده و از آتجایی که هر مسئله مهمی معمولاً با دو لبه افراط و تفریط همراه است نسبت به بعضی جریان‌های حول این قضیه هشدارهایی داده شده است تا جایی که شنیدم سخنرانی در منبرش می‌گفت: "حواستان باشد اول گریه‌کن امام حسین(علیه‌السلام) عمر سعد بود!". و همگان می دانیم که کوفیان نیز در هنگام ورود اسراء به کوفه بسیار گریستند و امام سجاد(علیه‌السلام) خطاب به آنها فرمودند: "اینان بر ما می‌گریند! پس چه کسی جز اینها ما را کشت؟" (نفس المهموم،ص۲۱۵)

حال اگر بخواهیم از کیفیت این گریه و اشک جويا شویم چاره‌ای جز رجوع به کلام معصوم نداریم که در صحرای عرب به کمیل آموخت که تنها سلاح و سرمایه‌اش بکاء است! هر چند معمولاً این تعبیر به معنای اظهار فقر به درگاه الهی شرح شده است، اما به گونه‌ای دیگر نیز می‌شود به این فراز از دعا نگاه کرد... سلاح وسیله‌ایست که علاوه بر جنبه جنگی و تدافعی اش مظهر تأثیرگذاری است. چه به لحاظ خرابی و ویرانی‌های فیزیکی که به بار می‌آورد، چه به لحاظ خوف و وحشتی که با ذکر صرفاً مقدارش در دل‌ها ایجاد می‌شود. طبیعتاً گریه جسمانیتی مانند سلاح ندارد اما اینکه از گریه به عنوان سلاح یاد شده قطعاً حاکی از آن است که اشک و بکاء کم از تأثیرگذاری سلاح ندارد.

به طور کلی اشکی که انسان برای غیر یا عزیزش می‌ریزد یا به دلیل شناخت و همزادپنداری با حادثه‌ای است که برای غیر اتفاق افتاده یا به دلیل محبتی است که در اثر شناخت عزیزش در عمق جانش وجود دارد. قاعدتاً گریه بر سیدالشهداء نیز اشکی است از سر معرفت همراه با قرائت سیر و واقعه با مسبوقات و ملحوقاتش! و این

نمی‌شناسد. قرن‌ها حقیرتر از آنند که میان قلب ما

و محبت حسین(علیه‌السلام) فاصله بیاندازند. محبت حسین(علیه‌السلام)، در لحظه می‌روید. انتخابی که در لحظه می‌کنیم، می‌تواند محبت حسین(علیه‌السلام) را در قلب‌ها بارور کند. لحظه‌ها ارزش‌مندند، به قدر ارزش محبت حسین(علیه‌السلام).

و تو هر لحظات لبیکی است به حسین(علیه‌السلام)، اگر درست انتخاب کنی، و اگر تا آخرین لحظه، پایبند لحظه بیعت‌جمانی!

شب عاشورا، شب لحظه‌های انتخاب بود، آنها که بر بیعت خویش ماندند، آسمانی شدند و آنها که سال‌های زندگی بی حسین(علیه‌السلام) را بر لحظه‌های باشکوه با او ماندن و برای او رفتن، ترجیح دادند، در قبرستان قرن‌ها مدفون شدند.

سفر کربلا، سفر لحظه‌هاست که انالله وانا الیه راجعون...

یکشنبه
۲۷ آذر ۱۳۹۰
سال اول
۲۲ محرم ۱۴۳۳
ویژه‌نامه

آن‌که هر لحظه‌اش، در مسیر انا لله و انا الیه راجعون باشد،مسافر کربلاست، زائر حسین(علیه‌السلام) است.

جنس قلب شیعه، جنس قلبی است داغدار، که قدر تک‌تک لحظات را می‌داند. لحظات شیعه داغ است، از جنس داغ کربلا. لحظات شیعه داغ است چرا که سرشار از انتخاب، تکلیف و انتظار است. لحظات شیعه منتظر است. شیعه‌ی داغدار حسین، قدر تک تک لحظاتش را می‌داند.

لبیک یا حسین! باامشهای گره کرده‌مان. لبیک یا حسین! باقلب‌های داغدارمان. لبیک یا حسین! بالحظه‌لحظه‌های داغ عمرمان... لبیک یا حسین، لحظه به لحظه و نفس به نفس... لبیک یا حسین...

اشک واژه: زینت پدر! / مانند پدر / با دست‌های بسته شمشیر می‌زد!

معرفت حتما محبتی به دنبال خواهد داشت که با فورانش در دل به صورت اشک از چشم خارج شده و تمام صورت را غرق می‌کند. وگرنه گریه که مظهر شدیدترین حالات انسان است و حکایت از تسخیر قلب فرد گریه کننده دارد بدون محبتی که در قلب فرد نفوذ کرده باشد به ظهور نمی‌رسد. به نظر می‌آید گریه و بکائی که سلاح است و مظهر تأثیرگذاری، اشک منفعل همراه با خمودگی نیست؛ بلکه بکائی است که در اثر ظاهر شدن، نشان از عمق معرفت فرد و نفرتش از ظلم دارد و همین عمق معرفت و روح حماسی نهفته در آن است، که لرزه بر اندام سپاه ظلم و فسق می‌اندازد و وقتی تبدیل به جریانی در طی محرم و صفر می‌گردد بسان سلاحی سبب نگه داشتن اسلام و تداوم قیام حسینی می‌گردد. و از قدرت این سلاح همین بس که از یاران قائم(عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) که قدرت و استواریشان در روایات معادل چهل مرد معرفی شده، به زاهدان شب و شیران روز یاد شده است.

اشک واژه: یا حسین / حروف م ق ط ع ه تـت روی زمین... / زیباترین آیه سجدهدار خداست!

مـواج تـرین سـکینه

<div><div> </div></div>					
		<div>«قال الحسین(علیه‌السلام):</div>			
		واما سکینه فغالב علیها الاستغراق مع الله فلا تلصلح لرجل..»			
		و			
		«سیطول بعدی یا سکینه فاعلمی		منک البکاء اذا الحمام دهانی	
		لا تحرقی قلبی بدمعک حسرة		مادام منی الروح فی جثمانی	
		فاذا قتلت فانت اولی بالذی		تأثینة یا خیرة النسوان.»	

جبرئیل رطوبتی از نگاه تو بود و از آنجا بود که فرو غلطید. و چون جبریل در زلال بصیرت تو غسل نمود، قطرات بصیرت تو بود که از بال‌هایش می‌چکید و فرشته می‌شد. به تقطیر پر حرارت بصیرت سوگند، که بصیرت زلال و مؤاجت، قرآن‌ذی‌ذکر است؛ تفهّم

هفته‌نامهٔ **فرهنگ، خبری**
مدرسهٔ دانشجویی قرآن و عترت
دانشگاه تهران



آتشین معانی مکتوب، از آنجا میسر است و حسین از فهم مکتوب چشمان تو بود، که قلبش شعله کشید؛ حسین، قتیل اشک‌های تو بود و از رطوبت بصیرت تو بود که عطشش برای انابه و رجوع بر افروخته‌تر می‌شد!

مواج‌ترین سکینه! طوفان بصیرت تو، کفر را بر باد داد و در اسارت عرّه و شقاق کشید؛ برای کفر، امواج خردکننده جاری از زیانت، عجیب بود؛ که این امواج، به کثرت رفت و برگشت مهیبش، همان خرائن رحمت جلالی رُبّت بود، که در کلامت جلوه می‌کرد. سپاهک مهزوم و مغلوب کفر، یارای مقابله با امواج بصیرت تو را نداشت؛ که تک‌صیحه برخاسته از این بصیرت مّواج، همان صیحه واحده‌ای بود که پیش از این قوم نوح و عاد و فرعون ذوالاوتاد، و ثمود و قوم لوط، و اصحاب ایکه را هلاک کرده بود.

قرآن‌ذی‌ذکر! از خرائن اشک‌های تو بود که داود، رجوعش به پروردگار بسیار شد و اواب نام گرفت، که داود، چشمانش، از این امواج پر خروش، فهم‌بندگی می‌کرد؛ فهمی که محتوای مُلک و حکمت و فصل‌الخطاب بود.

قنوت دستان داود، که هر صبح و شام از انعکاس بصیرت تو، مرطوب می‌شد، کوه‌ها را، رام و هم‌نوا کرده بود؛ و پرندگان در قیامت ناله‌اش بر مصائب تو، هم‌ناله بودند، و چون قامت داود به اقتدای بصیرت تو، رکوع شد، نبوتش از پی این اقتدا، خلافت نام گرفت. بصیرت مّواج تو، محتوای خلافت انبیای برگزیده‌است؛ تفصیل بدیهی‌ترین و عادلانه‌ترین نابرابری‌های هستی؛ کتاب یک‌جانا زل‌شده مبارکی که، تدبر آیات و تذکر حقایقش، در رفت و برگشتی باشکوه، اولوالالباب را اواب کرد که اواب بودن، مشایعت رفت و برگشت

محرم در من

امام هست؛ حی و حاضر!

خلاصه خطابه آقای اخوت در ماه محرم سال ۱۳۸۹ در مورد وظایف شیعه

• تنظیم‌شده توسط فاطمه صادقی

بعد از واقعه عاشورا، گرایش ویژه‌ای نسبت به امام حسین(علیه‌السلام) به وجود آمد. این اتفاق از طرفی نقطه قوت بود، اما از طرف دیگر، چندان هم مثبت به نظر نمی‌رسید، زیرا حاکی از این بود که افراد امام زمان خود را

در حالی که در جامعه حضور داشته است، به فراموشی سپرده‌اند. در صورتی که هر چه انسان به امام زمان خود نزدیک‌تر باشد، به‌امام حسین(علیه‌السلام) نیز نزدیک‌تر است. اصلاً جدایی میان شناخت این دو است که باعث به وجود آمدن انحرافات می‌شود. انحرافاتی که در عزاداری‌ها شاهد آن هستیم، از قبیل قمه زدن، صدمه زدن به جسم خود و افسردگی‌های بعد از عزاداری‌ها... همه اینها حاکی از مستقل دیدن امام حسین(علیه‌السلام) از امام زمان(عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) است و دوری ما را نسبت به ایشان نشان می‌دهد.

انسان باید بداند حضرت ولی عصر(عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف)

حضور دارند و هر کس که بر طبق وظیفه‌اش عمل

باز این چه شورش است که در جان آیه هاست؟!

خلاصه‌ای از آنچه روز قبل از تاسوعا، در هیئت مدرسه قرآن گذشت.

یکشنبه
۲۷ آذر ۱۳۹۰
سال اول
۲۲ محرم ۱۴۳۳
ویژه‌نامه

امواج بندگی است. بصیرت مّواج تو بود که در رفت و برگشت پر برکتش، سلیمان را از خرائن رحمت پروردگار، به ساحل آغوش داود آورد.

و سلیمان از داغ مجاهدت و قتال در رکاب بصیرت تو بود که خورشید را از یاد برد و جای گذاشت؛ و چون سلیمان دوباره یاد تو را تجدید کرد، خورشید تجدید شد؛ که بصیرت مؤاجت، خورشید را برای هم‌ناله شدن به ساحل سجاده سلیمان آورده بود.

مواج‌ترین چشمه! از رفت و برگشت امواج بصیرت تو بود، که ایوب به ساحل رسید؛ و ابراهیم و اسحاق و یعقوب، به کثرت مشایعت‌شان، با این امواج بود؛ که اولوالاید و الایصار شدند.

انبیای اواب، برای دم گرفتن به ذکر توست که برگزیده قیامت هستند؛ و اسماعیل و یسع و ذوالکفل، را به حُسن چنین فرجامی بود که برگزیدند.

و چون خاک از رطوبت مّواج بصیرت، اواب شد و آدم نام گرفت، سجده بر او واجب شد! و جبریل که رطوبتی از نگاه تو بود، از پس غسل در بصیرت تو، به همراهی فرشتگان چکیده از بال‌هایش، سجده ی واجب کرد.

اما جهنم غضب الهی انباشته خواهد شد، از شیطان و هر متمرّد مستکبری که به تبعیت او، بر خاک آمیخته با بصیرت سجده نکرد.

اشک واژه: مصباح‌الهدی/ با "سر بریده ات" تکلیف روزهای تاریک ما را روشن کردی!

و فعالیتش برای قیام امام زمان(عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) بیشتر نشد، به معنای آن است که حقیقت قیام عاشورا را نفهمیده است.

نوع نگاه ما و جهت‌گیری ما به گریه برای امام حسین(علیه‌السلام) مهم‌است. گریه‌ها نباید تبدیل به افسردگی شود، باید تبدیل به فعالیت و نشاط برای قیام شود. معنویتی که از اهل بیت(علیهم‌السلام) به انسان منتقل می‌شود، از راه همین مادیات و امور دنیوی است. معنویت و مادیات دو مقوله جدا از هم نیستند. از مادیات باید در راستای رسیدن به معنویت استفاده شود. اگر همه کارهایی را که به صورت معمول انجام می‌دهیم، به قصد قرب به امام زمان(عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) و رضایت ایشان انجام دهیم به معنویت رسیده‌ایم. دو نکته در این جریان مهم است: اول آنکه بخل در توانمند کردن استعدادها داشته باشیم. و دوم آنکه هنگامی که استعدادها به توان تبدیل شد، خود را مالک آن ندانیم.

و در نهایت آنکه در این مسیر بدانیم، هرگونه سستی و رخوت و تنبلی و ضعف و نامیدی استراتژی شیطان است.

اشک واژه: مثل حر باش! / آن چنان که دیروزت با امروزت... / زمین تا آسمان فرق داشته باشد!

• فاطمه صادقی قهرودی

در این ایام مدام دلمان می‌خواهد کسی برای‌مان روضه بخواند. خوب است یک بار هم پای منبر قرآن بنشینیم و گوش بسپاریم به آیات آن.

در روایت است که «سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحب خود (در نافله‌ها) تلاوت کنید زیرا این سوره، سوره حسین بن علی(علیه‌السلام) است، کسی که آن را بخواند، در روز قیامت